

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ اپریل ۲۰۱۹

چه کسی از دیگری استفاده ایزاری می کند؟ "غنی احمدزی" و "یا" رشید دوستم"؟

یکشنبه- ۱۱ حمل ۱۳۹۸ - کابل: یکی از مهمترین خبرهائی که روز گذشته رسانه ها انعکاس دادند، بازگشت "جنرال دوستم" به اصطلاح معاون اول رئیس جمهور دولت دست نشانده به افغانستان بود. "دوستم" که از همان نخستین روز های تکیه زدن "غنی احمدزی" بر کرسی ریاست جمهوری با توهین و تحقیر از جانب "غنی احمدزی" و بقیه باند ارگ پذیرائی گردید و در نهایت "سوراخ ایشچی" را زیب گردنش نمودند، اینبار بعد از اقامت دوماهه از ترکیه برگشت. هر چند رفتن و برگشتن های دوستم به ترکیه از آن معما هائیت که کسی بسادگی نمی تواند آن را حل نماید و هیچ گاهی نه در مورد چگونگی رفتن وی به ترکیه خبرسانی صحیح و صادقانه صورت گرفته و نه هم به ارتباط چگونگی آمدنش، مگر این بار شخص "دوستم" حین صحبت در مزار در جمع هوادارانش بسیار ساده اما صریح گفت:

"رئیس صاحب جمهور گفت، زودبیا که مسأله صلح در بین است و خلیل زاد می آید و باید به وی صحبت کنیم" این صحبت با در نظر داشت آن که "غنی احمدزی" ظرف دو سال اخیر بشدت از رفتن "دوستم" به زادگاهش جلوگیری می نمود و حتا توسط قوای خارجی از ورودش به میدان هوائی مزار جلوگیری نموده بود، می رساند که "دوستم" راست می گوید و بنا به درخواست "غنی احمدزی" آمده است.

در یادداشت امروز خواهم کوشید تا آمدن دوستم را از دو منظر متضاد یعنی یک بار به مثابه یک احمق سیاسی و بار دیگر یک انسان زرنگ و توطئه گر مورد مذاقه قرار دهم:

۱- دوستم به مثابه یک احمق سیاسی:

تا جایی که از مطالعه جریانات و حوادث روز در افغانستان و تحرکات امریکا و پاکستان بر می آید، "دوستم" در مقطع کنونی از دوجهت می تواند به درد "غنی احمدزی" بخورد:

الف- در مناسبات داخلی و آنها مربوط به سمت شمال به خصوص ولایت های بلخ، جوزجان، فاریاب، کندوز و تخار که هم جمعیت اسلامی در آنها نیرو دارد، هم "محمد محقق" و هم "دوستم". در شرایطی که عجاتاً یک آتش بس موقت بین "عطا-محقق" و "غنی احمدزی" برقرار شده و "عطا-محقق" منتظر اند تا توافق با وزرای دفاع و داخله "غنی

احمدزی" عملی گردد، در غیر آن دست به اقدامات جدئی خواهند زد، خواستن "دوستم" به افغانستان و دادن اجازه اقامت در زادگاهش از طرف "غنی احمدزی" می تواند بدان دلیل باشد که از قدرت نظامی و نفوذ قومی "دوستم" علیه دو نفر دیگر استفاده نماید و به درگیری های احتمالی در شمال افغانستان در عوض تقابل یک نیروی مخالف با دولت مرکزی و شونیزم عظمت طلبانه حاکمیت، هویت درگیری قومی، اقوام غیر پشتون بدهد. یعنی دقیقاً همان برنامه شومی را که در دهه هفتاد جهادبست های نوکر پاکستان و ایران در کابل عملی نمودند، این بار در مزار و بقیه ولایات سمت شمال عملی نمایند.

ب- در دومین موردی که "غنی احمدزی" می تواند با استفاده از حماقت "دوستم" بهره ببرد، نامبرده را در مقابل طالب و تمام نیروهائی که چهاراسپه به طرف طالب در حرکت اند، به کار انداختن است. وقتی "دوستم" در همان صحبت اولی می گوید که هرگاه رئیس صاحب جمهور؛ ریاست اجرائیه و شورای امنیت به وی این اجازه و فرصت را بدهند تا به مصاف طالب بروم، ظرف شش ماه آنها را از تمام ولایات شمال افغانستان پاکسازی خواهم نمود؛ هرچند این کلمات از دهن "دوستم" بیرون شده مگر در واقعیت امر تهدیدبست از جانب "غنی احمدزی" به استقامت امریکا و نماینده خاص آن "خلیلزاد". یعنی از زبان "دوستم" به آنها می گوید که هرگاه وی را بیش از این در بازی قدرت شامل نسانند و سهمش را از لاشه متعفن قدرت استعماری در افغانستان به همان اندازه که خودش می خواهد نپردازند "دوستم" و "دوستم" ها را به جان نورچشمی جدید آنها یعنی طالب خواهد انداخت تا دمار ا روز گارشان درآورد.

دولت دست نشانده در این دشمن نمائی تا جائی پیش رفت که احتمالاً از طریق افراد ریاست امنیت ضدملی، حمله ای کاملاً مسخره - نسبت دادن همچو عملیاتی به طالب با سابقه ۴۰ سال حملات تروریستی، توهین به توانمندی طالب می باشد. ، که بر کاروان معیتی "دوستم" نیز انجام داد تا مناسبات طالب و دوستم را مجدداً با خون آغشته بسازد.

پ- و اما این که "دوستم" علی رغم تمام وعده خلافی ها، هتک حرمت ها حتا انداختن "سورخ ایشچی" را بر گردنش، دستور به کشتن و بستن خودش و افرادش، باز هم به "غنی احمدزی" اعتماد کند حتا به حیث یک جاسوس بی اراده دستورات مقامات بالائی را اطاعت کند، آنهم در شرایطی که جهت یافتن اجازه خروج اخیرش از کشور، نخست می بایست مناسباتش را با "عطا-محقق" خراب می کرد تا اجازه خروج می یافت و عملاً در شهر کابل حیثیت نظریند و زندانی را داشت، می باید انسان احمق، بی شخصیت، فاقد غرور و حس انتقام باشد. چیزی که به مشکل می توان دو صفت اخیر را در مورد "دوستم" پذیرفت.

ادامه دارد